

سخنرانی آیت الله معرفت

در مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)

به مناسبت اولین دوره مسابقات قرآن

مؤسسات آموزش عالی غیر انتفاعی کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به حاضرین محترم، از بنده خواسته شده است که در این جلسه در رابطه با حضرت مهدی «عج» از دیدگاه قرآن مطالبی را خدمت دوستان عرض کنم. قرآن مطالب را به طور کلی مطرح کرده است حتی ابوبصیر که از راویان بزرگ است خدمت حضرت صادق (ع) عرض کرد که مخالفین به ما می گویند: چرا خداوند صریحاً در قرآن از اهلیت (ع) نام نبرده است. امام صادق (ع) در جواب می فرماید که قرآن اساساً به اصول مطالب می پردازد و اما تفصیل آن با پیغمبر اکرم (ص) است و مثال می زنند که در قرآن مسأله نماز مطرح شده اما بیان رکعات و سایر جزئیات آن وظیفه پیامبر (ص) است. لذا امام صادق (ع) می فرماید: اگر قرآن را آنگونه که هست بنگرند ما را در قرآن خواهند یافت. حال بحث این است که ما چگونه به قرآن بنگریم.

اگر بخواهیم آیاتی را که مربوط به حضرت مهدی (عج) است، بررسی کنیم به حسب ظاهر فکر می کنیم که ارتباطی با ایشان ندارد. اما پیامبر اکرم (ص) از روز اول از همان دوران رسالت این مطلب را برای امتش مطرح کرد که «ما من آية في القرآن الا و لها ظاهر و باطن» قرآن دارای دو جنبه است ظاهری و باطنی؛ همین ابوبصیری که روایتی را از او عرض کردم از امام باقر «ع» سؤال می کند که معنای فرمایش پیامبر اکرم (ص) که «ما في القرآن آية الا و لها ظهرو و بطن» چیست؟ چون این حدیث بین اهل سنت و شیعه متواتر است می فرماید: «ظهرة تنزيلة و بطنه تأويله» یعنی ظاهر قرآن که پیامبر فرموده

مرتبط می‌شود به همان اسباب نزول: در برخی از حادثه‌ها آیاتی و یا سوره‌هایی نازل شد و آیه قرآن مشکل را در آن مقطع از زمان حل کرد. اما قرآن کریم، وابسته به موارد نزول نیست بلکه اهمیت قرآن به بطن آن است. به محتوای آیه و جنبه‌هایی که عمومیت را می‌رساند من برای برادران و خواهرانی که به رشته‌های مختلف قرآنی علاقه دارند، قبل از آنکه آیات مربوط به حضرت حجت را عرض بکنم، توضیح می‌دهم. شما قطعاً این مسأله را مکرر شنیده‌اید که قرآن دارای ظهر و بطن است ولی شاید تا به حال توجه نداشته‌اید که ظهر یعنی چه و بطن یعنی چه؟ من در اینجا مختصراً توضیح می‌دهم. پی‌بردن به بطن قرآن ممکن است. برخی خیال می‌کنند که این امر فقط اختصاص به یک عده خاص مثلاً معصومین (ع) دارد و دیگران نمی‌توانند. این فکر و اندیشه درستی نیست چون خود ائمه (ع) راه پی‌بردن به بطن قرآن را به ما آموخته‌اند که چه کار کنیم. آنچه موجب جاوید بودن قرآن است، بطن آن است. نه ظهر آن. ظاهر قرآن به همان شأن نزول آیات مرتبط است و نمی‌تواند یک دستور عمومی و یک قانونی همیشگی باشد؛ مثل نسخه‌طبی است که برای علاج مرض می‌نویسد، که حتی خود مریض هم برای مرتبه دوم نمی‌تواند از آن استفاده کند. اگر ما قرآن را فقط به همان شأن نزول آن منحصر کنیم خود امام باقر (ع) فرماید: «اذاً لمات القرآن بموتهم» یعنی امروزه قرآن با مردن آن اشخاص مرده بود بعد امام می‌فرماید: «القرآن یجری کما تجری الشمس و القمر» قرآن همیشه جریان دارد. این جریانش چگونه است؛ جریان و بقا و دوام قرآن وابسته به بطن آن است. اکنون به صورت مختصر توضیح می‌دهم که چگونه باید به بطن قرآن پی‌برد؟ راه پی‌بردن به بطن قرآن این است که شما روی آیه کار کنید. البته یک مقداری تخصص می‌خواهد. قدری باید کار کرده باشید. اینکه می‌گوییم ممکن است یعنی این راه، بسته نیست. راهش این است که روی آیه دقت بکنید. این آیه راجع به مناسبتی خاص نازل شده است. بادقت و باکمال ظرافت و احتیاط ببینید این خصوصیتی که آیه را در برگرفته، کدامش در هدف آیه دخالت دارد و کدامش دخالت ندارد. این را در علم منطقی قانون «سبر و تقسیم» می‌گویند. یعنی محقق روی یک قضیه می‌اندیشد آن وقت «ملاسات» یعنی آن چیزی که حادثه را در برگرفته، دانه دانه اینها را تشریح می‌کند. اینها را جدا

می‌کند. بعد اینها را با هدف اصلی مقایسه می‌کند. کدامیک از اینها در هدف دخالت دارند و کدام ندارند. آن وقت آن خصوصیتی که در هدف آیه دخالت ندارند اینها را کنار می‌گذارد و ویژگی‌هایی که در هدف آیه دخالت دارد، آنها را بدست می‌گیرد. از همین راه بطن آیه پیدا می‌شود. مثالی مختصر می‌زنم و رد می‌شوم. مشرکین عرب در نبوت پیامبر تشکیک می‌کردند و دلیل تشکیکشان این بود که اگر خداوند می‌خواست رسولی بفرستد باید از جنس بشر نباشد. خداوند در آیه دیگر هم جواب می‌دهد که اگر ملک هم بفرستیم بالاخره باید بصورت بشر باشد. چون ملک بصورت خودش نمی‌تواند با شما تماس بگیرد. آیه شریفه در جواب مشرکین و دفع شبهه می‌فرماید «و ما ارسلنا من قبلك الا رجالاً نوحی الیهم» یعنی پیش از این هم هر چه پیامبر فرستادیم از خود شما بودند. بعد می‌فرماید: «فسألوا اهل الذکر» که در دنباله آیه است بعد می‌فرماید: «ان کنتم لاتعلمون بالبینات و الزبر» یعنی اگر شما در این مسأله تردید دارید، سؤال کنید اهل ذکر یعنی صاحبان شرایع قبلی یعنی یهودیان و مسیحیان که با آنها هم‌جوار هستید، از اینها پرسید پیامبرانی که خداوند قبلاً فرستاده، چگونه بوده‌اند؟ چون اعراب به یهود یهان ساکن مدینه عقیده داشتند و اینها را با سواد و خودشان را بی‌سواد می‌دانستند و در مسائل و معارف و شناخت برخی از اسرار وجود به یهود مراجعه می‌کردند. خداوند هم می‌فرماید: شما از اینها پرسید. اینها به شما خواهند گفت که مثلاً موسی و عیسی بشر بودند. پس در این آیه شریفه با توجه به شأن نزول آیه مخاطبین آیه، مشرکین هستند. این یک ویژگی، حالا ما می‌خواهیم روی قانون «سبر و تقسیم» این آیه را تحلیل کنیم. مخاطبین مشرکین هستند. مسأله‌ای که مورد شک قرار گرفته نبوت بوده که آیا انسان و بشر می‌تواند پیامبر شود یا نه؟ از چه کسانی باید سؤال شود؟ از اهل کتاب مخصوصاً یهودیان حاضر؛ پس «فسألوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون بالبینات و الزبر» یعنی اگر سواد خواندن و نوشتن ندارید، از اینها پرسید این شأن نزول آیه است. در مورد آیه، سؤال می‌کنیم آیا مشرک بودن در مخاطب بودن این آیه، خصوصیت دارد. یعنی حتماً این آیه مخاطبش باید مشرکان باشد یا اینکه نه عنوان در هدف این آیه مدخلیت ندارد؛ آنچه که مدخلیت دارد، جهل آنها بوده است، پس در واقع کسی مخاطب آیه است که جاهل

است نه مشرکان. پس خصوصیت مشرک بودن لغو شد. مورد سؤال چی بود؟ شک در نبوت که آیا ممکن است بشر پیامبر شود یا نه؟ باز اینجا این سؤال مطرح می‌شود، آیا این مسأله یک ویژگی خاصی دارد و یا نه، اساساً چون این مسأله برایشان مجهول بوده و در رابطه باشؤون دینی بوده؟ این هدف آیه است خصوصیت نبوت، دین، مرد بودن و یا بشر بودن مطرح نیست پس این خصوصیت هم لغو می‌شود آمدیم سر «اهل الذکر» که در آن مقطع «اهل الذکر» اشاره به یهود و اهل کتاب دارد. باز اینجا سؤال می‌شود که آیا یهودی بودن و اهل کتاب بودن خصوصیتی دارد؟ حالا از این آیه چه به دست آمد؟ از این آیه بدست آمد که هر جاهلی در هر مسأله‌ای در شؤون دینی اگر مسأله‌ای را نمی‌داند، به عالمان مربوط که آن مسائل را می‌دانند مراجعه کند و از آنها بپرسد. لذا امروزه شما اگر از یک فقیه پرسید به چه دلیل بر عامی واجب است که از مجتهد جامع شرایط تقلید کند؟ فوراً این آیه «فسألوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» را می‌خواند. پس این آیه زنده است.

با این حساب می‌رویم سراغ آیاتی که از آن ظهور حضرت حجّت استفاده می‌شود، آیاتی که این مطلب از آن استفاده می‌شود، متعدد است. یکی همین آیه‌ای که تلاوت شد. و «نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين و نمکن لهم في الارض» این آیه درباره بنی اسرائیل و فرعون است که خداوند می‌گوید: اراده ما تعلق گرفته است که مستضعفین بر مستکبرین پیروز آیند و اینها جایگزین آنها شوند و لذا «و نری فرعون و هامان» تا آخر آیه به آنها قدرت خودمان را نشان بدهیم. مؤمنین و عباد صالحین هستند که پیروز می‌شوند و جایگزین آنها می‌شوند. این آیه بر حسب سیاقی که در قرآن است اختصاص به قضیه موسی و بنی اسرائیل دارد، ولی بحث این است: آیه که می‌فرماید «و نريد» این از اراده ازلی خداوند حکایت می‌کند یعنی اساساً اراده خداوند به این امر تعلق گرفته است به اینکه مستضعفان بر مستکبران پیروز آیند. این یک اراده ازلی الهی است که در مقطع‌هایی از زمان تحقق پیدا می‌کند. یکی از این مقطع‌ها زمان حضرت موسی و قصه بنی اسرائیل و موسی است. لذا این آیه نمی‌تواند اراده ازلی الهی را اختصاص به همان مقطع بدهد و نسبت به همان بنی اسرائیل و فرعون و کذا. لذا ما از

این آیه که حاکی از اراده‌ی ازلی الهی است به این مطلب پی می‌بریم که اراده‌ی حق تعالی به آن تعلق گرفته که بالاخره عباد صالحین بر مستکبرین پیروز آیند و وارث زمین گردند. آیا این اراده به طور کامل در آن مقطع تحقق یافت؛ نه یک گوشه‌ای از آن نمودارگشت ولی این آیه اشاره به یک مطلب کلی دارد، می‌گوید: بایستی مستکبران از روی زمین برداشته شوند. بایستی زمین به طور کامل در اختیار عباد صالحین قرار بگیرد و ما در انتظار همان روز هستیم. در حدیث مفضل بن عمر می‌گوید: سمعت ابا عبد الله یقول ان رسول الله (ص) نظر الی علی و الحسن و الحسین و بکی و قال انتم المستضعفون بعدی قال المفضل ما معنی ذلک قال معناه انکم ائمه بعدی ان الله یقول: «و نرید ان نمّن...» امام صادق (ع) این آیه را از زبان پیامبر بر ائمه اطهار تطبیق می‌دهد. بعد، امام صادق (ع) اضافه می‌فرماید: «فهذه الایه جاریه فینا الی یوم القیامة» یعنی این مسأله تداوم دارد که گاه این اراده تحقق عینی پیدا می‌کند. ابن ابی الحدید می‌گوید: «و امامیه تزعم ان ذلک وعد منه بالامام الغایب الذی یملک الارض فی آخر الزمان» یعنی شیعه می‌گوید: از این آیه استفاده می‌شود که امام غایب همان کسی است که این آیه وعده داده است که حتماً بر کل جهان پیروز خواهد شد و وارث ارض خواهد شد و دست مستکبران به طور کلی قطع خواهد شد. بعد چون ایشان سنی و معتزلی است، می‌گوید: «و اصحابنا یقولون انه وعد بامام یملک الارض» یعنی قبول می‌کند که این آیه وعده است به اینکه امامی برای مسلمین خواهد آمد. امامی که مالک تمام زمین خواهد شد. می‌گوید: ما هم همین را قبول داریم؛ منتهی آیا این امام الان زنده باشد یا ممکن است در وقت خودش بوجود آید؟ فرق بین شیعه و سنی همین است یعنی در اینکه یک امامی می‌آید و مالک تمام زمین خواهد شد و عدل را در کل جهان پیاده خواهد کرد اختلافی نیست. شیعه می‌گوید: این امام الان زنده است و در پس پرده غیبت است و منتظر آن روزی هستیم که ظهور کند. اهل سنت می‌گویند: که ما هم منتظر یک چنین امامی هستیم. ولی منتظریم که یک چنین امامی به وقت خودش تولد پیدا کند و هیچ ضرورتی ندارد که این امام فعلاً وجود داشته باشد.

«والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته»

گزارشی از:

سخنرانی دکتر محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام
در مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع)

در این مراسم که به مناسبت هفته بسیج و میلاد حضرت مهدی (عج) توسط بسیج این مؤسسه ترتیب داده شده بود، دکتر رضایی سخنان مبسوطی در زمینه اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ایراد نموده‌اند.

وی تنها راه تمدن سازی را اندیشه‌های سیاسی بنیادین و فرهنگ اصیل و پویا، دانستند. ایشان با اشاره به اندیشه‌های امام خمینی افزودند: در مورد جامعه ایران، باید گفت آخرین فرهنگ و تمدنی که ما داریم، دوران صفویه است. در دوران صفویه ما هم اندیشه سیاسی داشته‌ایم و هم اندیشه فرهنگی، و به همین دلیل بوده که در آن دوره به یک فرهنگ و تمدن رسیده‌ایم. از پایان صفویه تا ظهور انقلاب اسلامی یعنی قریب سه قرن ایران فاقد یک اندیشه سیاسی و فرهنگی بوده است و به همین دلیل در این سه قرن ما نتوانسته‌ایم آن فرهنگ و تمدن بزرگ آرمانی خودمان را بوجود آوریم. در این سه قرن جامعه ما با چند پدیده مهم مواجه بوده که از جمله می‌توان به پدیده استعمار زدگی، استبداد زدگی، شرق و غرب زدگی، مسأله ارتجاع و خرافه پرستی اشاره کرد.

وی افزود: اما از حدود یکصد سال پیش به اینطرف در ایران نوعی بیداری بوجود آمد که می‌توان آنرا به چند مقطع تقسیم کرد: ۱- جنبش تنباکو؛ ۲- ملی شدن صنعت نفت؛ ۳- خرداد ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی؛ آقای رضایی در ادامه افزودند: بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ تا خرداد ۴۲ یعنی بعد از ۱۰ سال سکوت، یک اندیشه سیاسی جدیدی در ایران شکل می‌گیرد که تمام تجارب گذشته مشروطه را دارا است، و آن اندیشه سیاسی امام خمینی (قدس سره) است. در اندیشه سیاسی امام (ره) اصلاً شاه و نظام شاهنشاهی وجود ندارد، لذا اندیشه سیاسی امام (ره) دو رکن اساسی پیدا می‌کند: ۱- اسلام ۲- مردم.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت گفت: اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) یک جامعه اسلامی را تداعی می‌کند که در آن آزادی، مطبوعات، سندیکاها و اتحادیه‌ها و نهادهای مدنی در چارچوب اسلام قرار می‌گیرند. یعنی اندیشه سیاسی امام (ره) در مورد جامعه به یک جامعه اسلامی منتهی می‌شود که دولت آن نیز باید جهت‌گیری اسلامی داشته باشد.

به نظر می‌رسد امروز مسؤولیت ما باید بیش از ابراز احساسات و عواطف باشد. باید نخبگان و روشنفکران مسلمان و افراد محقق و دلسوز این کشور بیایند و به سئوالات بنیادین جامعه پاسخ دهند و اندیشه حضرت امام (ره) را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی تبیین کنند.

